

# سالهای رنگ و نور و خاطره

● قسمت پایانی

آن بکار گرفتم ادامه دادم متأسفانه از کارهای مزبور بیش از یکی دو کار برایم باقی نماند که با خود به ایران آوردم.

سال ۱۳۳۸ به ایران بازگشتم و کار تدریس در

دانشکده هنرهای زیبا را از سر گرفتم. در

این سال از طرف فرهنگ و هنر برای

تدریس در هنرستانهای هنرهای

زیبای دختران و هنرستان آزاد

کمال الملک دعوت شدم.

تدریس در این دو هنرستان تا

سال ۱۳۴۵ ادامه یافت. سال

۱۳۴۰ برای بار دوم از طرف

فرهنگ و هنر برای تدریس در

دانشکده هنرهای تزئینی دعوت

شدم. تدریس در دانشکده نامبرده را

تا سال ۱۳۴۲ ادامه دادم.

هنر باتیک (نقاشی با موم گرم) بر روی پارچه

برایم هنری ناشناخته بود که پس از شناخت آن

فریفته‌اش شدم. پس از تجربه‌های زیاد و تسلط کامل

با هنر نامبرده تصمیم گرفتم در آزمایشات بعدی از

خط فارسی به عنوان عنصر اصلی در

کارهایم استفاده کنم. قبلاً نیز در چند اثر

گرافیکی در گوشه و کنار کارهایم

خط فارسی را به عنوان نمک یا

چاشنی بکار برده بودم. با استفاده از

اشعار شعرای خودمان اشعار

انتخابی را به صورت خطوطی

تزئینی روی ابریشم کار کردم و

نتیجه کار را از نظر دوستان هنرمندم

گذراندم. طرفداران زیادی پیدا کرد

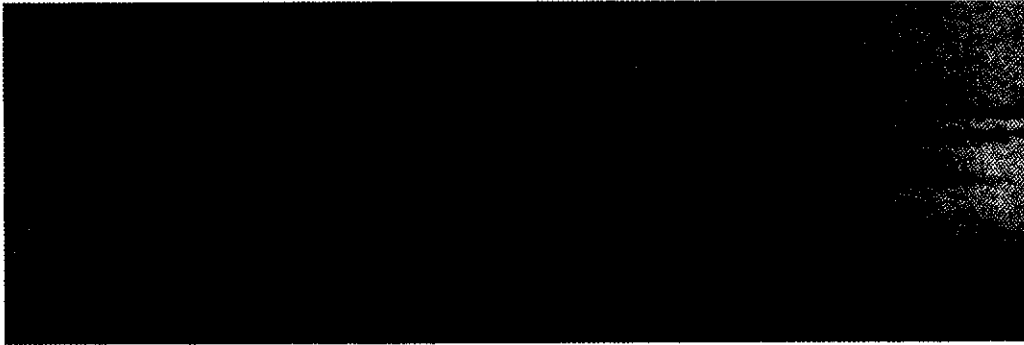
و بیشتر کارهایم نیز خریداری شد. دنباله

کار را با دگرگونی‌های تازه‌ای که در



● استاد محمود  
جوادی پور





را در دانشکده هنرهای زیبا متمرکز نمودم. سرانجام به سال ۱۳۴۷ با اضافه شدن رشته گرافیک به سایر رشته‌های دانشکده آرزوی دیرینه‌ام برآورده شد. سالهای ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۴ علاوه بر داشتن وظایف آموزشی در سمت‌های سرپرستی آموزشی و مدیریت گروه هنرهای تجسمی می‌بایستی به عنوان نماینده دانشکده هنرهای زیبا در جلسات متعدد مؤسسه استانداردی و تحقیقات صنعتی، دفتر فنی دادگستری و غیره نیز حضور داشته باشم.

با وجود مسئولیت‌های نامبرده بالا، در خلال سالهای ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۲ تألیف ۵ کتاب راهنمای هنر و ۵ جلد راهنمای تدریس هریک را برای سالهای اول تا سوم راهنمایی و چهارم و پنجم را نیز عهده‌دار شدم و انجام دادم.

با علاقه‌ای که از پیش به هنر نم‌سازی داشتم، سال ۱۳۵۰ داوطلبی خود را در جهت انجام پژوهشی دامنه‌داری در زمینه نم‌های ایران اعلام نمودم. با تقاضای موافقت شد. وسایل مورد نیازم مانند دوربین عکاسی و متعلق‌اتش را بزودی آماده نموده و در اختیارم گذاردند. پژوهش‌م را از منطقه گرگان و دشت آغاز نمودم و تا سال ۱۳۵۴ ادامه دادم. نتیجه را به صورت کتابی با نام (نم‌های ایران) پژوهشی در زمینه نم‌های منطقه گرگان و دشت در آورده و به شورای دانشکده تقدیم نمودم. مرا مورد تشویق قرار دادند و همگی لزوم چاپ آن را تایید و اعلام داشتند. بعد از

سال ۱۳۳۹ آثار تازه‌ام را در تالار قدیم رضا عباسی به نمایش گذاشتم. این اولین نمایشگاهی در ایران بود که در آن آثاری در زمینه هنرهای چاپی مانند کنده‌کاری روی چوب، لیتولیوم، فلز و همچنین چاپ سنگی و ضمناً نقاشی روی پارچه با تکنیک باتیک به نمایش گزارده می‌شد. دیدن این نوع کارها برای بینندگان تازگی داشت. به ویژه چند اثری که با تکنیک باتیک و با استفاده از خط فارسی به عنوان عنصر اصلی کار شده بود مورد توجه هنرمندان خطاط و هنرجویان دانشکده‌های هنری قرار گرفت. در حدی که چندی بعد در نمایشگاههایی که برپا می‌شد کارهایی بنمایش گزارده می‌شد که در آن سوژه اصلی خط بود. از همان زمان هنر خط نقاشی به صورت گسترده‌تری ادامه یافت و امروز پس از گذشت ۴۱ سال هنر نام برده به شکل هنری مستقل درآمد است و طرفداران زیادی دارد.

چندی پس از پایان نمایشگاه بی‌اندازه احساس خستگی می‌کردم. این باز نیز برای رفع خستگی برنامه چندماهه‌ای برای مسافرت به اروپا و دیدن آثار هنری کشورهای مختلف تنظیم نمودم. مردادماه همان سال سفرم را از لندن آغاز کردم. به ترتیب از شهرهای آمستردام - هامبورگ - کپنهاگ - استکهلم و در مراجعت دوباره کپنهاگ - هامبورگ و سرانجام مونیخ و ایران به پایان رساندم. سفر بسیار پرباری بود زیرا توانستم علاوه بر دیدار موزه‌ها، مجموعه‌های هنری - گالریها و غیره آثار هنرمندان بزرگی را که هرگز به جز در کتابها ندیده بودم ببینم. با توجه به اینکه در اواخر سال ۱۳۳۸ به دلایلی از همسر آلمانیم جدا شده بودم. اواخر سال ۱۳۴۲ با همسر فعلی‌ام ازدواج کردم. صاحب دو دختر شدیم. دختر بزرگم در رشته آموزش هنر در آلمان درس خوانده و دختر کوچکم در ایران رشته معماری را تمام کرده. سال ۱۳۴۴ مدارک تحصیلم مورد ارزشیابی شورای عالی فرهنگ قرار گرفت و ارزش تحصیلاتم برابر دکترا اعلام شد. رتبه‌ام از دبیری به دانشیاری تمام وقت تبدیل شد. سال ۱۳۴۵ تدریس در هنرستانهای هنرهای زیبای دختران و هنرستان آزاد کمال‌الملک را ادامه ندادم و تنها فعالیت آموزشی‌ام





سال ۱۳۵۵ به افتخار مرتبه استادی تمام وقت نائل شدم و پس از چندی برای استفاده از فرصت مطالعاتی با همسر و دو دخترم عازم کشور آمریکا شدیم و در شهر دانشگاهی شمپین Champaign فرود آمدیم. دو شهر در کنار هم اوربانا - شمپین URBANA Champaign در مرکز ایالت ایلینویز (Illinois) قرار

اتفاقات زیادی که در رابطه با چاپ کتاب روی داد، سرانجام چاپ آن آغاز شد و قرار بود که تا اواخر سال ۱۳۵۵ تمام شود. متأسفانه تاکنون حدود ۲۶ سال از آن تاریخ گذشته و هنوز کتاب نامبرده به چاپ نرسیده. و در حال حاضر ماکت متلاشی شده و در ضمن صفحات آماده شده برای چاپ کتاب در قفسه کارگاهم بایگانی می‌باشد.

هر آینه بخواهم سرگذشت دست به دست گشتن کتاب نامبرده را از ۲۶ سال پیش تاکنون در ادارات مختلف دولتی و غیردولتی روی کاغذ بیاورم خود به کتابی تبدیل خواهد شد که نام آن را جز (غمنامه هنر نمذسازی ایران) نمی‌توان گذارد. زیرا: با در نظر گرفتن این نکته که کتاب نمدهای ایران نتیجه اولین پژوهش است که در زمینه هنر قدیمی و بومی این سرزمین صورت گرفته است می‌توان یقین داشت، هر آینه کتاب مزبور علاوه بر زبان فارسی به چند زبان زنده دیگر نیز ترجمه و چاپ شود. می‌تواند مورد توجه و خریداری اکثر کتابخانه‌های کشورهای مختلف جهان قرار گیرد و به این ترتیب هیچگونه جای نگرانی درباره زبان مادی برای ناشر آن وجود نخواهد داشت. گذشته از این مطالعه کتاب نمد می‌تواند دریچه‌های تازه‌ای را از نظر هنری به روی هنرمندان جوان ما که در حال حاضر بیشتر آنان بر اثر راهنماییهای نادرست برخی از مربیان آموزش هنر به جای کوشش در جهت شناخت منابع هنری کشورمان تمام توجهشان را به بازده هنری هنرمندان غرب دوخته‌اند بگشاید.

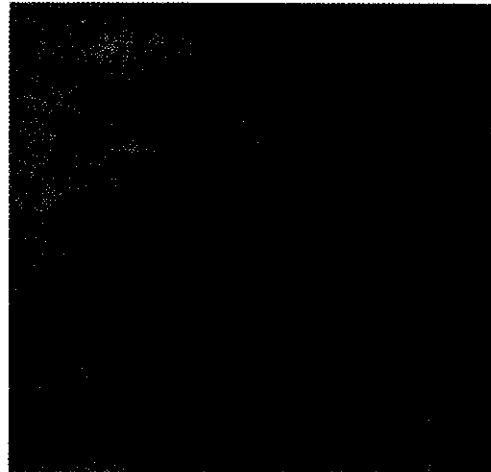


مناسبت قرار بود دانشکده هنرهای زیبا نمایشگاهی ترتیب دهد که در آن آثار تمام استادان آن دانشکده از صد سال به اینطرف به نمایش گذارده شود. از من نیز به عنوان استاد مهمان دعوت شد که در نمایشگاه شرکت کنم. با تعداد ۵ تابلویی که در همان شهر کار کرده بودم در نمایشگاه شرکت نمودم. نمایشگاه که در موزه کرانرت همان شهر دایر شده بود بی اندازه جالب و دیدنی بود. KERANNERTARTMUSEUM. چند روز پس از گشایش نمایشگاه مدیر یکی از گالری‌های شهر پیوریا (یکی از شهرهای ایالت ایلینویز) (Illinois) از من دعوت کرد تا در گالریش نمایشگاهی انفرادی از کارهای من ترتیب دهد. پذیرفتم و پس از گذشت چند ماه تعداد ۱۱ تابلوی رنگ روغن در تاور پارک گالری شهر پیوریا GALLERY TOWER PARK آثارم به نمایش گذارده شد. نمایشگاه بسیار موفق بود و تعدادی از کارهایم نیز خریداری شد.

مدت یکساله که در آمریکا بودیم از بسیاری شهرهای شمالی، مرکزی و جنوبی آمریکا دیدن کردیم. بسیاری از موزه‌ها و مراکز هنری منجمده موزه متروپولیتین نیویورک را نیز مورد بازدید قرار دادیم. قرار بود در دانشگاه کلمبیا نمایشگاهی از آثارم ترتیب داده شود ولی به دلیل کمبود فرصت به سال بعد موکول شد. سال بعد در ایران بودیم و با توجه به مسئله انقلاب فرستادن کارها دچار اشکال شد. نوبت را برای سال بعد حفظ کردم. متأسفانه مسئله فرستادن آثار با مشکلات بیشتری روبرو شد و در نتیجه جریان نمایشگاه متوقف گردید.

مهرماه سال ۱۳۵۷ به ایران بازگشتیم. وظایفم را با احراز سمت سرپرست آموزشی دانشکده در کنار وظایف آموزشی‌ام آغاز کردم و ادامه دادم. سال ۱۳۵۸ بازنشسته شدم و از نو به عالم نقاشی بازگشتم. سال ۱۳۶۰ به اصرار خویشان و دوستانم اقدام به گشودن کلاس آزادی برای آموزش هنر نقاشی نمودم که تا اواسط سال ۱۳۷۲ ادامه یافت و در خلال این مدت به حدود ۵۰۰ نفر هنرجوی جوان و بزرگسال آموزش دادم. بسیاری از شاگردانم در مسابقات ورودی به دانشکده‌های هنر شرکت نموده و در زمینه هنرهای چاپی یا نقاشی فارغ‌التحصیل شدند. افراد دیگری نیز آزادانه به نقاشی ادامه دادند.

سال ۱۳۶۸ پس از سالها سکوت، نمایشگاهی با عنوان (مروری بر آثار سال ۱۳۲۲ تا ۱۳۶۸) در گالری نوپای آذین ترتیب دادم که بسیار موفقیت آمیز بود. اوایل سال ۱۳۷۲ دچار بیماری سختی شدم و تا مدتی پس از بهبودی قادر به کار نبودم و کلاس را تعطیل کردم. خوشبختانه پس از تعطیل کلاس خیلی از شاگردانم مرا فراموش نکرده و گاهی از من دیدن می‌کنند. این بود شرح کوتاهی از زندگی من.



گرفته و از مراکز دانشگاهی بسیار معروف آمریکا می‌باشد.

در مکاتباتی که قبل از آغاز سفرم، میان دانشگاه تهران و دانشگاه ایلینویز در مورد اینجانب صورت گرفته بود ضمن معرفی‌های معمول، مرا به عنوان مؤلف کتاب نندهای ایران نیز معرفی نموده بودند. از آنجا که تنظیم قسمتی از برنامه دوران فرصت مطالعاتی من در آمریکا به عهده مسئولین دانشگاه شمین گذارده شده بود، یکی از برنامه‌های دوران توقف مرا سخنرانی توام با نمایش اسلاید درباره هنر نمدسازی ایران تعیین نموده بودند که: روز چهارم ماه (می) ۱۹۷۷ در سالن موزه کرانرت، ART MUSEUM, KERANNERT شهر شمین برگزار شد. با توجه به تازگی موضوع سخنرانی بسیار مورد توجه حاضرین قرار گرفت. پس از ایراد سخنرانی عده‌ای از علاقمندان برای داشتن کتاب نندهای ایران مراجعه می‌کردند و من بی‌خبر از اینکه ادامه چاپ کتاب از مدتی پیش متوقف مانده و به چاپ نرسیده به همه وعده رسیدن کتاب را می‌دادم. سال ۱۹۷۷ صدمین سال تأسیس دانشگاه شمین منجمده دانشکده هنرهای زیبای آن بود، به همین

